

DOI: [10.22034/wasj.2024.425214.1023](https://doi.org/10.22034/wasj.2024.425214.1023)

West Asia Journal (WAJ)
Vol. 2, No. 1, (4) Spring 2024
Received Date: 11/14/2023
Accept Date: 02/03/2024
Article Type: Original
Research
PP: 1-31



فصلنامه غرب آسیا

سال ۲، شماره ۱ (۴)، بهار ۱۴۰۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴
نوع مقاله: علمی - پژوهشی
صفحات: ۱-۳۱

نقش انرژی در همگرایی و امنیت منطقه غرب آسیا: با تأکید بر الگوی دوستی و دشمنی ایران و عراق در حوزه انرژی

دکتر گارینه کشیشیان سیرکی^۱

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته تاکنون محسوب می‌شود. جدا از مسائل ناشی از رقابت‌های نفتی کشورهای بزرگ، منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر شاهد رخدادها و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و نظامی گوناگونی بوده است. همچنین ترتیبات امنیتی منطقه در طول قرن گذشته و حاضر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی اجتماعی ناشی از آن در خاورمیانه، تشکیل نیروی واکنش سریع آمریکا و عملکردها و عکس‌العمل‌های مربوطه، شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و آثار منطقه‌ای آن، وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، تجاوز نظامی عراق به کویت و نتایج سیاسی و نظامی آن، شکل‌گیری نظم نوین جهانی پس از بحران دوم خلیج فارس و حمله آمریکا به افغانستان و عراق به عنوان نقطه عطفی در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران و عراق به عنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا موضوع اصلی این مقاله بود و این سوال مطرح بود که الگوی دوستی و دشمنی بین این دو کشور چگونه در حوزه انرژی قابل ترسیم خواهد بود؟ فرضیه مطرح شده این بود که دو کشور ایران و عراق با فراز و فرودهایی که در روابط خود داشتند؛ در حوزه انرژی نیز توانستند الگوهای دوستی و دشمنی در غرب آسیا را متحول

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ایمیل:

نمایند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دوکشور جمهوری اسلامی ایران و عراق با ورود به موضوع میدان مشترک نفت و گاز و با تأکید بر همگرایی درحوزه انرژی توانستند به سطح بالایی از همگرایی دست یابند و این همگرایی با کاهش تنش در منطقه غرب آسیا به افزایش سطح امنیت منطقه‌ای کمک نموده است.

کلید واژگان: قدرت‌نمایی چین، جزایر سلیمان، نیروی دریایی، زنجیره جزایر، موازنه از داخل، هژمونی آمریکا

۱- بیان مسأله

منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و شرایط خاص خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته تاکنون محسوب می‌شود. امنیت و انرژی دو موضوع کلیدی و استراتژیک در این منطقه بوده و ترتیبات امنیتی در غرب آسیا (خاورمیانه) از دیرباز مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشته است. اما در پی تحولات سال‌های اخیر در این منطقه، با ظهور عراق جدید و حضور نیروهای نظامی آمریکایی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است. از جمله بازیگران مهم منطقه غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران و عراق هستند که نقش مؤثر و سازنده‌ای در تحولات منطقه و امنیت منطقه ایفا می‌کنند.

جدا از مسائل ناشی از رقابت‌های نفتی کشورهای بزرگ، منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر شاهد رخدادها و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و نظامی گوناگونی بوده است. از ابتدای قرن بیستم دو جنگ جهانی اول و دوم و

آثار و پیامدهای ناخوشایند آن، شکل‌گیری بلوک شرق و غرب پس از جنگ جهانی دوم و رقابت شدید دو ابر قدرت آمریکا و شوروی در این منطقه، کسب استقلال کشورهای منطقه در فاصله سال‌های بین دو جنگ جهانی و پس از آن، تدوین و اعلام دکترین‌های ترومن، آیزنهاور، نیکسون، کارتر، برژنف، ریگان، کلینتون، بوش و اوباما^۱ که هدف اجرایی آن‌ها عمدتاً متوجه کشورهای غرب آسیا بوده است. همچنین ترتیبات امنیتی منطقه در طول قرن گذشته و حاضر، و واگذاری عرصه به ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای تا فصل جدید مناسبات امنیتی، نتوانستند در تأمین کامل و تضمین امنیت در این منطقه حساس و سوق‌الجیشی موفقیت چندانی کسب نمایند.

بنابراین آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم، این است که همگرایی بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق در این منطقه و روابط فیما بین آن‌ها چگونه می‌تواند در امنیت منطقه و ارتقا سطح این امنیت تأثیرگذار بوده و از مشکلات منطقه بکاهد. به همین دلیل با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان از مکتب کپنهاگ، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی و چیستی الگوهای دوستی و دشمنی جمهوری اسلامی ایران و عراق در حوزه انرژی و تأثیر آن بر ارتقا سطح امنیت منطقه غرب آسیا (۲۰۲۳-۲۰۱۳) در همین راستا سؤال اصلی پژوهش بدین

1 - Truman, Eisenhower, Nixon, Carter, Brezhnev, Reagan, Clinton, Bush, and Obama

شکل مطرح خواهد شد که: الگوهای دوستی و دشمنی جمهوری اسلامی ایران و عراق بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ در حوزه انرژی چگونه بر ارتقا سطح امنیت منطقه غرب آسیا تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه اصلی پژوهش نیز در پاسخ به سؤال اصلی به این شکل تدوین شده است که: الگوهای دوستی و دشمنی دو کشور ایران و عراق بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ بخصوص در حوزه انرژی با کاهش تنش‌های بین دو کشور باعث تقویت روابط و سیاست همسایگی شده و به ایجاد آرامش و امنیت در منطقه منجر شده است. برخورداری از بخش عمده ذخایر انرژی جهان، قرار گرفتن در مسیرهای مهم انتقال انرژی، تبادل کالا و خدمات، برخورداری از بازار بزرگ چندین میلیارد دلاری، زمینه مناسبی را برای تقویت بنیان اقتصادی و همگرایی دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ فراهم نموده است. بنابراین نوآوری پژوهش به این شکل است که: در پژوهش حاضر بجز بررسی الگوهای دوستی و دشمنی کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عراق؛ آن‌هم در بحث مؤلفه انرژی تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان؛ موضوع با یک رویکرد جدیدی مورد بررسی قرار گیرد، که این امر نوآوری این پژوهش خواهد بود. تمام تلاش پژوهشگر این خواهد بود تا یک الگوی همگرایی منطقه‌ای برای روابط ایران و عراق ترسیم نماید. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی و متغیرهای تحقیق به این شکل خواهد بود. متغیر مستقل: الگوهای دوستی و دشمنی دو کشور ایران و عراق در زمینه انرژی و متغیر وابسته: امنیت منطقه غرب آسیا، بنابراین محدوده مکانی غرب آسیا و محدوده زمانی در این پژوهش بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ خواهد بود.

۲- پیشینه پژوهش

در بررسی این موضوع به منابع بسیاری دسترسی پیدا شد که هر کدام قسمتی از موضوع را پوشش داده یا اینکه رویکرد دیگری داشتند و برای مشخص تر شدن خلأ تحقیقاتی در این زمینه به معرفی آثار موجود و مرتبط خواهیم پرداخت.

مطلبی، جعفری و کاظمی در سال ۱۴۰۰ در کتابی تحت عنوان «رابطه همگرایی اقتصادی و تأمین امنیت در کشورهای جهان سوم با تأکید بر خاورمیانه» به موضوع همگرایی در این منطقه پرداخته‌اند. البته این کتاب با پژوهش حاضر تفاوت‌هایی دارد و بحث ما در این پژوهش فقط در رابطه با ایران و عراق خواهد بود. متی و هادیان در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش اشتراکات ایران و عراق در شکل‌گیری همگرایی در حوزه انرژی» به مباحثی در این حوزه پرداخته‌اند. هاشمی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق» به بررسی روابط دو کشور ایران و عراق از منظر ژئوپلیتیکی پرداخته‌اند. آنان اشاره نموده‌اند که کد ژئوپلیتیک، نقشه عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی تأثیرگذار بر سیاست و برخاسته از جغرافیای یک کشور است که سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صادقی و همکاران در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران - عراق چشم اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه» می‌نویسند که کشور عراق به دلیل وزن ژئوپلیتیکی و ظرفیت

بالقوه اقتصادی، یکی از بازیگران مهم در منطقه خاورمیانه است. حمله نظامی آمریکا به عراق و سقوط صدام در مارس ۲۰۰۳ سبب تحولات ژئوپلیتیکی نوینی نه تنها در سیاست خارجی این کشور، بلکه در روابط با همسایگان شد و فرصت‌های جدیدی را برای سرآغاز مناسبات راهبردی با ایران فراهم کرد. محمد صالح مصطفی در سال ۲۰۱۶ در مقاله‌ای با عنوان، «نقش ایران در منطقه کردستان عراق» به بررسی مسائل فی مابین ایران و عراق با تأکید بر حوزه انرژی پرداخته است. سید سونمز در سال (۲۰۱۲) مقاله‌ای با عنوان «سیاست عراقی ایران بعد از جنگ دوم خلیج فارس» در نشریه تحقیقات اجتماعی بین‌المللی منتشر کرده است. (Sonmez, 2012: pp. 3-12) نویسنده به پیشینه رقابت‌های ایران و عراق در دهه‌های قبل بویژه در مورد هژمونی بر خلیج فارس و منطقه اشاره دارد؛ اما معتقد است که بعد از ۲۰۰۳ توازن قدرت تغییر و مناسبات دو کشور شکل جدیدی به خودش گرفته است. جعفری ولدانی در سال ۱۳۸۸، در کتاب خود تحت عنوان «چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه» به بررسی بسترهای منازعه و اختلافات این منطقه پرداخته است. این کتاب به چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا در خاورمیانه اشاره دارد و همچنین به چالش‌های اتحادیه اروپا در حوزه خلیج فارس اشاره کرده است. البته در پژوهش حاضر تمرکز ما بیشتر بر همگرایی منطقه‌ای آن‌هم بین کشورهای عراق و جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ خواهد بود.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

امنیت و انرژی دو موضوع کلیدی و استراتژیک در منطقه غرب آسیا بوده و ترتیبات امنیتی در غرب آسیا (خاورمیانه) از دیرباز مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشته است. با ظهور عراق جدید و حضور نیروهای نظامی آمریکایی در آن، بر اهمیت این منطقه افزوده شده است. از جمله بازیگران مهم منطقه غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران و عراق هستند که نقش مؤثر و سازنده‌ای در تحولات منطقه و امنیت منطقه ایفا می‌کنند. بنابراین تحقیق در مورد الگوهای دوستی و دشمنی این دو بازیگر مهم منطقه‌ای بخصوص در حوزه انرژی بسیار حائز اهمیت است و از آنجاییکه همگرایی این دو کشور می‌تواند بر امنیت منطقه غرب آسیا تأثیرگذار باشد؛ ضرورت انجام این تحقیق مشخص می‌شود.

۴- تعریف مفاهیم

در این پژوهش از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان استفاده خواهد شد. بنابراین عبارت امنیت منطقه‌ای مورد تعریف قرار خواهند گرفت.

۴-۱- مفهوم امنیت منطقه‌ای

تأکید بر سطح منطقه به‌عنوان یکی از سطوح اصلی تحلیل در مباحث امنیتی مدت‌هاست که مورد توجه پژوهشگران مطالعات امنیتی قرار گرفته است. بری بوزان و آلی ویور در کتاب مشترکشان با عنوان «مناطق و قدرت‌ها» که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، مدعی هستند امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست. بنابراین آن‌ها سطح منطقه‌ای را به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند. بوزان و ویور معتقدند

برای جلوگیری از گسترده‌تری بیش از حد تعریف امنیت باید سلسله مراتبی از سطوح تحلیل در درون سیستم بین‌الملل را مد نظر قرار داد که هر یک از آنها قابل دوام، مهم و حاوی ویژگی‌هایی باشند که آنها را از لحاظ امنیتی خودبسنده کند؛ یعنی مسائل امنیتی آنها فارغ از نقش‌آفرینی بازیگران خارجی، خاص آنها باشد.

۵- نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان

تحولات پایان جنگ سرد و آغاز فرآیند جهانی شدن، کنار رفتن رقابت‌های کلان استراتژیک دوران جنگ سرد، فضای جدیدی را برای پویای‌های مربوط به امنیت در جهان پدید آورد. در کنار مجادلات نظری گوناگون درباره منطقه و منطقه‌گرایی، نظریه‌پردازی به سمت کانون مشخص‌تری سوق یافت که الگوهای پایدار دوستی و دشمنی که در اشکال الگوهای منسجم جغرافیایی از وابستگی متقابل ظاهر می‌شوند را نشان می‌داد. از این نظر، متغیرهای تاریخی نظیر دشمنی‌های پایدار یا قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک (اعراب، اروپایی‌ها، آسیای جنوبی‌ها، شمال شرق آسیایی‌ها، آمریکای جنوبی‌ها) ویژگی خاص یک مجموعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این چارچوب از لحاظ امنیت، منطقه به معنی شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک به یکدیگر باشند. از لحاظ تاریخی، امنیت از این منظر در تفکرات مربوط به توازن قدرت در اروپا بسیار قوی بوده است (بوزان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰).

اصطلاح مکتب کپنهاگ ابتدا از سوی بیل سوئینی برای بررسی آثار باری بوزان و الی ویور به کار برده شد. مکتب کپنهاگ از اولین مکاتبی است که به دنبال جایگاه مستقل برای مطالعات امنیتی بوده است. باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» که به عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری امنیت در روابط بین‌الملل است، به بررسی علمی موضوع امنیت توجه زیادی کرده است. ویور و دووید نیز با مقالات خود کمک شایانی به تحول مفهوم امنیت نمودند. بدین لحاظ، مکتب کپنهاگ امنیت ملی را مرکز ثقل خود قرار داده است. از این نظر، امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد و سطوح مختلف آن دارای آثار متقابل بر یکدیگرند و بین آنها وابستگی متقابل جریان دارد. ارجحیت مکتب کپنهاگ نسبت به سایر مکاتب این است که این مکتب به صورتی اختصاصی کار بر روی موضوع امنیت و ابعاد آن را زمینه اصلی خود قرار داده است. بوزان امنیت را برابر با رهایی از تهدید می‌داند. از نظر وی، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع در حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

باری بوزان به عنوان مهم‌ترین و معروف‌ترین نظریه‌پرداز مکتب کپنهاگ معتقد است که به علت ساخت سیاسی دولت‌ها، نظام سیاسی بین‌المللی مهم‌ترین زیستگاه کشورها تلقی می‌شود. از نظر او امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده و امروزه امنیت چندبعدی شده است. وی اعتقاد دارد که امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به وسیله امنیت منطقه‌ای معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه سیاست‌گذاری امنیتی مناسب هر کشور با توجه به این رویکرد، سیاستی است که به امنیت چندبعدی توجهی ویژه داشته و برای کسب امنیت ملی

نگاه ویژه به امنیت منطقه‌ای دارد. از نظر بوزان از آنجا که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌تواند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. وی تنها شکل نزدیک به شبه سیستم منطقه‌ای را نظام توازن قدرت محلی یا منطقه‌ای می‌داند. اما میان سطوح تحلیل منطقه‌ای خود با شکل سنتی ایده توازن قدرت منطقه‌ای تفاوت قائل شده است. از منظر بوزان ارتباط سیاسی بین دولت‌ها و نظام مزبور به قدری نزدیک است که بحث مستقل درباره آنها در معرض خطاهای جدی است. بدین ترتیب، امنیت ملی محور امنیت در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، دولتی و اجتماعی است که شامل پنج سطح نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. این رویکرد به رغم آن که امنیت ملی را مرکز ثقل مطالعات خویش قرار داده است، معتقد است که اگر دولتی نتواند متضمن امید به زندگی در بین شهروندان باشد، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی باشد و امنیت اقتصادی و زیست محیطی را تأمین نکند، فاقد هر گونه امنیت ملی است. از این دیدگاه سیاست باید به امنیت نگاه چندبعدی داشته باشد؛ چرا که برای مثال، تهدیدات اقتصادی به گونه‌هایی متفاوت از تهدیدات نظامی است. تهدیدات اقتصادی خارجی ممکن است از جانب اقتصاد جهانی صورت گیرد؛ چرا که هیچ کشوری به تنهایی توان مقابله با اقتصاد جهانی را ندارد و تصمیمات آن‌ها امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، بوزان بر این اعتقاد است که بازیگران اقتصاد بین‌المللی امکان دارد تصمیم بگیرند که توان یک دولت را در زمینه تأمین مایحتاج نیروهای نظامی و تهیه نیازهای اولیه مردم آن تحت تأثیر قرار دهند و بدین

وسيله به امنیت اجتماعی و ثبات رژیم حاکم صدمه وارد کنند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۶).

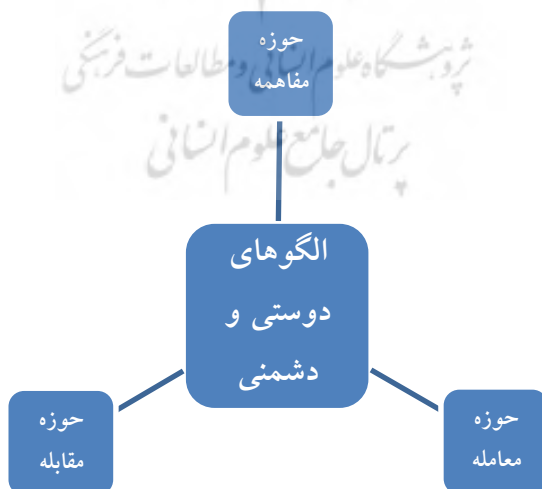
بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی مکتب کپنهاگ را می‌توان توسعه و تعمیق مفهوم امنیت دانست. مفهوم مَوْسَع و گسترش یافته امنیت علاوه بر بعد نظامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز شامل می‌شود. به طوری که، بازیگر امنیتی‌ساز می‌تواند تهدیدها و موضوعات در هر یک از این حوزه‌های پنج‌گانه را امنیتی کند که کنترل و مدیریت آن با ابزار و سازوکارهای فوق‌العاده فراسیاسی ضرورت می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۹). این درحالی است که مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است. تمرکز بر بعد نظامی امنیت، تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشت، مطالعات امنیتی بیشتر بر مطالعه جنگ، آن هم در حوزه مطالعات راهبردی تبدیل شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی نیز راهکار مسلط در مطالعات راهبردی و امنیتی بود، اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این راهکار با نقدهای جدی محققین مورد چالش قرار گرفت. اما بوزان به شکل مبسوط‌تر، مستدل‌تر و قوی‌تری امنیت مَضَبِّق را زیر سؤال برد و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد. به همین دلیل مکتب کپنهاگ مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می‌داند؛ یا پدیده‌ها و موضوعاتی را مطالعه می‌کند که دارای ویژگی‌های نزدیک و معناداری با جنگ و زور باشند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۶).

۶- مدل فرضی الگوهای دوستی و دشمنی و همگرایی منطقه‌ای متناسب با منطقه غرب

آسیا

جمهوری اسلامی ایران با هر کدام از پانزده همسایه خود شرایط متفاوتی از سطح روابط و سطح همکاری‌ها دارد؛ بنابراین نمی‌تواند الگوی مشخص همگرایی در منطقه غرب آسیا داشته باشد. ولی برای بومی‌سازی همگرایی ایران در منطقه غرب آسیا و طراحی مدل دوستی و دشمنی، می‌توان مدلی طراحی نمود که بر اساس مفاهیم، معامله و مقابله مطرح شود و این سه حوزه می‌توانند بین ایران و هر کدام از همسایگانش با توجه به سطح روابط و با توجه به الگوهای دوستی و دشمنی طراحی و به کارگیری شوند. ابعاد سه‌گانه مدل به شکل تصویر ذیل قابل ترسیم خواهد بود.

نمودار ۱- الگوهای دوستی و دشمنی (گوهری مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸)



الگوهای دوستی و دشمنی و همگرایی منطقه‌ای به عنوان راهی برای همکاری کشورهای یک منطقه، کاهش منازعات و دستیابی به صلح پس از پایان جنگ جهانی و با جامعه زغال و فولاد اروپا به عرصه سیاست وارد و در ادامه نیز به عنوان الگویی موفق برای همکاری در سایر مناطق جهان مورد استفاده قرار گرفت. به دنبال آن با توسعه روابط و اهمیت روزافزون همکاری، نظریات مختلفی در تبیین مؤلفه‌ها و اصول همگرایی منطقه‌ای و الگوهای دوستی و دشمنی مطرح گردید. هرچند این نظریات در برخی مناطق کاربرد موفقی داشته‌اند، اما در منطقه غرب آسیا همچنان چالش‌های مهمی در مسیر همکاری و همگرایی منطقه‌ای وجود دارد؛ تا جایی که برخی این منطقه را استثنا در همگرایی می‌دانند. برای همین منظور و در جهت شناسایی سطح ارتباطات و همکاری‌ها و الگوهای دوستی و دشمنی، سه حوزه مفاهمه، معامله و مقابله قابل شناسایی است.

۶-۱- حوزه مفاهمه

منظور از حوزه مفاهمه همگرایی ایران با کشورهای است که به لحاظ فرهنگی، تاریخی و قومیتی و یا مذهبی با ایران تشابهاتی دارند. به لحاظ نظری، اصول و مؤلفه‌های نظریات ارتباطات و سازه‌انگاری این حوزه را پشتیبانی می‌نمایند. اغلب کشورهایی که در حوزه مفاهمه با جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند، درک نسبتاً خوبی در خصوص تعامل با ایران داشته و سابقه روابط و وضعیت فعلی روابط نیز مؤید این مطلب است. این کشورها با حسن نیت به رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌نگرند و این حسن نیت ماحصل روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سالیان گذشته است که موجب هم‌فهمی شده است.

در واقع مفاهمه، ماهیت و روح روابط این حوزه است. جنس روابط این کشورها با ایران پیشینی و عمیق و اغلب تاریخی است. طبیعتاً موضوعات همکاری و همگرایی با توجه به بستر مفاهمه می‌تواند در اغلب عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی تعریف و پیگیری شود. این دسته از کشورها ایران را دشمن و حتی شاید رقیب خود نمی‌دانند و احتمال جنگ و درگیری میان ایران با این دسته از کشورها در یک بردار صفر و یک به سمت صفر میل می‌کند. از این رو تعامل و همگرایی با این کشورها به نسبت ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر است. با توجه به تعریف فوق کشورهای عراق، افغانستان، عمان و ارمنستان در حوزه مفاهمه تعریف می‌شوند. کشوری که در این پژوهش در حال بررسی آن هستیم، یعنی کشور عراق در حوزه مفاهمه قرار می‌گیرد.

۶-۲- حوزه معامله

مقصود از حوزه معامله همگرایی ایران با کشورهایی است که ملاک اصلی و اساسی تعامل با ایران را در حوزه تعاملات اقتصادی اصل حفظ رابطه همسایگی، موضوعات توسعه‌ای و نیز حفظ ثبات قرار داده‌اند. در اغلب نظریات همگرایی اروپایی همچون کارکردگرایی، همکاری اقتصادی و توسعه‌ای مبنای همگرایی به شمار می‌رود. البته منظور از معامله در این مدل صرفاً اهداف اقتصادی صرف نیست. بلکه «معامله» ماهیت روابط کشورهایی است که به دلایل مختلفی همچون اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و حتی اجتماعی و فرهنگی خود را ملزم به حفظ روابط با ایران نموده و زمینه همکاری و همگرایی با ایران را دارند به صورت کلی می‌توان گفت جنس رابطه این کشورها با وجود سوابق بعضاً تاریخی، از

جنس روابط تأسیسی و موضوعات جدید است. برخی همچون ترکیه و ترکمنستان و قزاقستان عمدتاً به دلیل اقتضای اقتصادی، روسیه به دلیل اقتضای راهبردی، کویت به دلیل اقتضای سیاسی و فرهنگی، پاکستان به دلیل اقتضای جغرافیایی و آذربایجان به دلیل اقتضای جغرافیایی و فرهنگی در حوزه کشورهای معامله قرار می‌گیرند.

۶-۳- حوزه مقابله

منظور از مقابله در مدل همگرایی این پژوهش تعامل و همگرایی ایران با آن دسته از کشورهایی است که به نوعی تحت سیاست ایران هراسی قرار گرفته‌اند. شاید این تعریف بسیار کوتاه باشد اما تا حد زیادی کشورهایی که در حوزه مقابله همگرایی قرار می‌گیرند را مشخص نماید. طبعاً سخت‌ترین بخش همگرایی در حوزه مقابله است. این دسته از کشورها نسبت به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران سوءظن داشته و بدبین هستند. به لحاظ نظری، مؤلفه‌های رهیافت واقع‌گرایانه و نواقعی‌گرایی در این حوزه کاربرد دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۹۸) *پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

هرچند محیط آنارشیک باعث بی‌اعتمادی و مانعی عمده بر سر راه همگرایی است اما از سوی دیگر با تحلیل همین نگاه دریافت می‌شود که همکاری برای رفع تهدید از جمله راهکارهای همگرایی در محیط آنارشیک است و «حوزه مقابله» در مدل همگرایی این نوشتار در صدد توضیح و تبیین همین رویکرد است. حوزه مقابله، ماهیت تعامل کشورهای است که به نوعی متأثر از فضاسازی ایران هراسی قرار گرفته و با سوءظن به رفتارهای ایران می‌نگرند. این کشورها نگرانی‌هایی در

ارتباط با ایران دارند که از جمله آن‌ها احتمال دخالت ایران در امور داخلی آن- هاست. لذا کشوری همچون امارات متحده عربی با وجود اینکه حجم بالایی از مراودات اقتصادی با ایران را به خود اختصاص داده است در زمره حوزه مقابله قرار گرفته است؛ چرا که تعاملات اقتصادی موجب سازش یا سکوت امارات در خصوص مشکلات مرزی ادعایی‌اش با ایران نشده است. به نظر می‌رسد جنس رابطه این کشورها با ایران نه از نوع پیشینی و تاریخی و نه از نوع تأسیسی، بلکه محدود به شرایط خاص است که در این نوشتار به آن «روابط حساس» گفته می‌شود. عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و تا حدی قطر کشورهای این حوزه می‌باشند. (گوهری مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱)

۷- شیوه عملیاتی نمودن مفاهیم

برای عملیاتی نمودن مفاهیم حوزه‌های سه گانه مفاهمه، معامله و مقابله علاوه بر مباحث تاریخ روابط سیاسی تلاش شده است از معیارها و ملاک‌های مورد پذیرش محیط سیاست خارجی و روابط بین‌الملل استفاده شود. از این رو، علاوه بر مباحث تاریخی، وضعیت کنونی روابط سیاسی - اجتماعی و اقتصادی؛ مواضع کشورها و سطح تعاملات و روابط و نیز نگرش‌های دینی و فرهنگی و حتی سطح مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دستیابی به جایگاه هر کشور در مدل پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفته است و ویژگی‌ها و معیارهایی احصاء شده است که ملاک دسته‌بندی کشورها در سه حوزه مفاهمه، معامله و مقابله شده است که در ادامه خواهد آمد.

۷-۱- روابط سیاسی

پیشینه تعاملات سیاسی کشورهای حوزه مفاهمه در قالب روابط حسنه تفسیر می‌شود و موارد جنگ و درگیری با چالش و تنش کشورهای این حوزه با ایران وجود نداشته یا به شدت محدود می‌باشد. طبعاً جنگ، تنش و چالش‌هایی که توسط رژیم‌های پیشین در این حوزه صورت گرفته، با تغییر نظام و روی کار آمدن حاکمیت‌های جدید مرتفع شده است. برای مثال با وجود جنگ ۸ ساله تحمیلی رژیم بعث عراق با جمهوری اسلامی ایران با سقوط رژیم بعث روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران تغییر اساسی یافته و عراق از کشور دشمن به دوست مبدل شده است.

۷-۲- تعاملات اقتصادی

ویژگی بارز اغلب کشورهای حوزه معامله در تعامل با ایران، کسب منافع مادی و ملموس است. البته منظور از منافع مادی اعم از منافع اقتصادی است. ایجاد نهاد و سازمان برای دستیابی به منافع از ویژگی‌های کشورهای این حوزه است که از منظر نظریات کارکردگرایانه به روشنی قابل درک است. بر این اساس، پایه همگرایی و همکاری کسب منافع است و در صورت از دست رفتن این مزیت احتمال زیادی در تقلیل روابط وجود خواهد داشت.

۷-۳- نیروهای مداخله‌گر

کشورهای حوزه مفاهمه با وجود ارتباط با کشورهای فرامنطقه‌ای، همواره ملاحظات ارتباط با یک نیروی مداخله‌گر را به سبب حساسیت‌های آتی ایران مد نظر قرار می‌دهند. برای مثال عراق در امضای توافق‌نامه امنیتی یا خروج در سال

۲۰۱۱ با آمریکا مؤکداً متذکر می‌شود که به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد که از فضای عراق برای تهاجم و حمله به همسایگان استفاده شود.

۸- جمهوری دموکراتیک فدرال عراق بر اساس مدل سه‌گانه همگرایی

در بین کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران، کشور عراق جز کشورهایی است که بعد از تغییر در حاکمیت قبلی آن و پس از سقوط صدام از دشمن به دوست تغییر کرده است. بنابراین کشور عراق در تعاملات همگرایی با ایران جز گروه مفاهمه محسوب می‌شود. در حوزه مفاهمه همگرایی کشور مسلمان عراق با اکثریت شیعه مذهب در این قسمت قرار می‌گیرد. همچنین در حوزه مفاهمه یکی از مؤلفه‌های مهم پیشینه ارتباطات فرهنگی - اجتماعی است.

کشورهای حوزه مفاهمه، همچون عراق در انبوه تعاملات با ایرانیان قرار داشته‌اند. به لحاظ قومیتی و نژادی در بعد مفاهمه بخشی از اتباع کشورهای مورد نظر و ایران از دیرباز در کشور یکدیگر ساکن بوده و تاریخچه این اسکان حتی به پیش از ترسیم مرزها می‌رسد. مؤلفه‌هایی همچون زبان، قومیت، نژاد، ایل و طایفه مشترک، آداب و رسوم اجتماعی مشترک، تجارت و مراودات اجتماعی مانند ازدواج و مانند این‌ها بین دو ملت از گذشته وجود داشته است. آثار این تعاملات اجتماعی - فرهنگی در پوشش و آداب و رسوم اجتماعی، معماری ساختمان‌ها، لغات مشترک، اسامی فارسی ساکنین این کشورها همچون عراق قابل مشاهده است.

کشورهایی که در حوزه مفاهمه با ایران قرار می‌گیرند مشکلات مرزی و ارضی با ایران ندارند و یا در صورت وجود ادعاهای مرزی طی یک معاهده و قرارداد یا توافق‌نامه موضوع حل و فصل شده است. در صورت عدم وجود توافق‌نامه نیز دو

کشور بنا به دلایل محکم‌تری ترجیح بر سکوت و سازش داده‌اند. برخی کشورهای حوزه مفاهمه به نوعی به جغرافیای ایران وابستگی بیشتری به نسبت سایر همسایگان دارند و ایران را به عنوان یک کریدور و گذرگاه مطمئن و دائمی در راهبردهای توسعه‌ای کشور خود به حساب می‌آورند، مانند کشور عراق؛ علاوه بر سایر مؤلفه‌های نزدیکی به ایران به لحاظ جغرافیایی نیز در یک الزام ژئوپلیتیک به ایران روی آورده‌اند. همچنین کشور عراق با اکثریت جمعیت و حاکمیت شیعه در صدر این بخش قرار می‌گیرد. بنابراین در حوزه مفاهمه عراق کنونی به‌عنوان یک کشور دوست در تمام زمینه‌ها می‌تواند در راستای همگرایی با ایران حرکت نماید.

۹- مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار در همگرایی ایران و عراق

بررسی روابط دولت‌های ایران و عراق نشان دهنده این واقعیت است که گرچه پس از سقوط صدام فصل جدیدی در روابط این دو دولت گشوده شده است، اما با وجود تشابهات فرهنگی، تمدنی و دینی هم‌چنان دولت‌های ایران و عراق در بحث ایجاد همگرایی منطقه‌ای به‌خصوص در زمینه همکاری‌های اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. هرچند عوامل بیرونی مؤثری نظیر دخالت‌های آمریکا، اوضاع آشفته و بی‌ثبات سیاسی عراق را می‌توان از عوامل مؤثر بر واگرایی اقتصادی دو کشور دانست، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانع همگرایی اقتصادی را باید در ساختار دولت‌های مذکور جستجو کرد که در صورت عدم توجه کافی مانع از افزایش همکاری‌های اقتصادی این دو کشور مهم منطقه حتی پس از ثبات سیاسی عراق خواهد شد.

۹-۱- عوامل تأثیرگذار بر همگرایی اقتصادی ایران و عراق

۹-۱-۱- عوامل ژئوپلیتیک:

محیط جغرافیایی و همجواری سرزمینی می‌تواند بعنوان عاملی در پیوند کشورها و نزدیک کردن راهبردها و سیاست‌های آن‌ها با هم باشد. «بطورحتم کشورهایی که در یک موقعیت جغرافیایی واحد قرار دارند به نحو اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۸۴). از این حیث ایران و عراق دارای اشتراکات ژئوپلیتیک زیادی هستند و این اشتراکات از زمینه‌های مهم در پیوند استراتژیک ایران و عراق به شمار می‌آید. یکی از مشکلات عراق در حوزه ژئوپلیتیک به مسأله تنگنای دریایی این کشور بر می‌گردد. عراق از جمله کشورهای است که سواحل بسیار کوتاهی نسبت به قلمرو خود دارد و این واقعیت سبب تعیین تنگنای ژئواستراتژیک از نظر دسترسی مناسب به دریا برای این کشور شده است» (فولر، ۱۳۸۲: ۴۹) علاوه بر این تنگنای جغرافیایی عراق برای دسترسی به خلیج فارس همواره ادعای مالکیت بر اروندرود را داشته و همین ادعا زمینه‌ساز و بهانه جنگ هشت ساله با ایران شد. (کریمی پور، عزیزی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۲۷) از دیگر مؤلفه‌های مهم جغرافیایی در پیوند دو کشور اختلافات مرزی و در صدر آن‌ها مسائل مربوط به اروندرود است. ایران و عراق دارای بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک از دهانه فاو تا دالامپراغ هستند. ویژگی این مرز به نحوی است که با همه همسایگان متفاوت است. بطوری که هیچ کدام از این مرزهای این کشور با همسایگانش به اندازه این مرز دچار دگرگونی نشده است. (کریمی پور، عزیزی و

ربیعی، ۱۳۹۷: ۲۹)

در بررسی موقعیت جغرافیای سیاسی کشور عراق به این نتیجه می‌رسیم که این کشور در مرزهای خود با همسایگانش از جمله ایران، ترکیه، عربستان، سوریه، اردن و کویت اختلاف داشته است. با چنین دشواری تنگنای جغرافیای سیاسی کشور عراق برای تأمین منافع خود در منطقه چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه نگاه استراتژیک خود را بر ایران متمرکز سازد. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به خط کران‌های کوتاهی حدود ۶۰ کیلومتر محدود است و این محدودیت دسترسی به خلیج فارس، کشور عراق را با مشکلاتی در زمینه توسعه تأسیسات نفتی و قابلیت نظامی و اقتصادی مواجه می‌کند؛ با این وصف برغم منابع غنی انرژی عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی با تنگنای ژئوپلیتیک مواجه است. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بنادر صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروندرود، موجب شده تأمین امنیت دسترسی آزاد این کشور به نفتکش‌های انتقال دهنده نفت خام در گرو همکاری دوجانبه با ایران باشد؛ که این خود می‌تواند نیاز به همکاری ایران را در پی داشته و بستر را برای همکاری راهبردی در مناسبات اقتصادی کشور ایجاد نماید. (صادقی، مارابی و اکسا، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۳)

۹-۱-۲- مؤلفه‌های ژئواکونومیک:

هدف از کاربرد مفهوم ژئواکونومیک، «مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنایهای اقتصادی شامل منابع طبیعی، کانی‌ها، معادن و انرژی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی دولت مردان و رقابت بر سر تصاحب و اثرگذاری این منابع در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک ملی، منطقه‌ای و جهانی است. (مجته‌زاده: ۱۳۷۲: ۱۳۱ - ۱۲۸)

هدف از موقعیت ژئواکونومیک ایران و عراق، تأکید بر منابع انرژی دو کشور شامل

ذخایر نفت، گاز و تولید برق می‌باشد. «دو کشور ایران و عراق دارای اقتصاد تک محصولی هستند، و وابستگی شدیدی به نفت دارند و به شدت از تغییر و تحولات در بازار نفت تأثیر می‌پذیرند. به لحاظ اینکه هر دو کشور برای بازسازی و توسعه خود به منابع مالی هنگفت نیاز دارند هر دو به سیاست‌های اوپک برای به حداکثر رساندن عواید نفتی علاقمند هستند. (فولر، ۱۳۸۹: ۵۹) در این حوزه باید میادین نفتی مشترک و مرزی و اختلاف نظرها را نیز از نظر دور نداشت. هرچند میادین مشترک نفت و گاز می‌تواند حامل همگرایی باشد زیرا رونق صنعت نفت عراق موجب نقش‌آفرینی بیشتر این کشور در اوپک خواهد شد و با توجه به ماهیت دولت عراق در بلندمدت تحولات این کشور از طریق اوپک موجب تقویت روند همگرایی و دوستی با جمهوری اسلامی ایران می‌شود (کریمی پور، عزیزی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۶-۷) در ادامه به بررسی وضعیت دو کشور در حوزه انرژی خواهیم پرداخت. که شامل ذخایر نفت و گاز و همچنین تولید برق و وضعیت میادین مشترک نفت و گاز دو کشور می‌باشد.

۹-۱-۳- وضعیت نفت و گاز کشور ایران:

ایران تنها کشوری است که حجم ذخایر نفت و گاز آن متناسب است یعنی حجم هر دو ذخایر نفت و گاز این کشور در سطح جهان بسیار بالاست. ایران از نظر ذخایر اثبات شده نفت خام در سال ۲۰۱۷ رتبه چهارم پس از ونزوئلا، عربستان و کانادا قرار گرفت و از نظر ذخایر اثبات شده گاز، مقام دوم در جهان را پس از روسیه از آن خود کرد» (مجله نفت و گاز، ۲۰۱۸: ۲۱)

میزان این ذخایر در حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت و در حدود ۵۰/۳۳ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی می‌باشد که تقریباً به ترتیب ۱۰ درصد از ذخایر نفت خام جهان و حدود ۱۳ درصد از ذخایر نفتی کشورهای اوپک و ۱۷ درصد ذخایر گاز دنیا را تشکیل می‌دهد. (مجله نفت و گاز، ۲۰۱۸: ۲۰) اگر ترکیب مجموع ذخایر هیدروکربنی کشور در نظر گرفته شود، رتبه نخست جهان قرار می‌گیرد.

۹-۱-۴- وضعیت نفت و گاز کشور عراق:

عراق از معدود کشورهای تولیدکننده نفت و گاز با منابع غنی در دنیا بشمار می‌رود و برای افزایش ظرفیت تولید قابلیت لازم را دارد. علاوه بر این قرار گرفتن عراق در قلب خاورمیانه و موقعیت ویژه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک آن باعث شده تا این کشور در سیاست بین‌الملل جایگاهی ویژه داشته باشد. شرکت‌های چند ملیتی به سرمایه‌گذاری در نفت عراق علاقه مندند. چرا که بر اساس آمارهای ارائه شده منابع عراق مزایای زیادی دارد. ۹۰ درصد از حوزه‌های نفتی عراق کشف نشده‌اند و تاکنون تنها ۲۰۰۰ چاه نفت در عراق مورد حفاری و استخراج بوده‌اند. از ویژگی‌های دیگر نفت عراق این است که از هر ۱۰ چاهی که در این کشور به منظور دسترسی به نفت حفاری می‌شود ۸ چاه به نفت می‌رسد. در حالی که این رقم برای عربستان ۵ چاه از ۱۰ چاه است. نفت عراق کیفیت خوبی دارد و استخراج آن بسیار آسان است. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۱۴) ویژگی‌های خاص نفت عراق، موقعیت استراتژیک آن منطقه، نابسامانی‌ها و اختلافات داخلی در این کشور سبب شده که بسیاری از کشورهای قدرتمند در پی تسلط بر منابع نفتی این کشور باشند، «به نوعی که بسیاری از تحلیلگران حمله نظامی آمریکا به عراق را بعنوان یک

جنگ برای نفت قلمداد می‌کنند. که آمریکا به این طریق بر نفت این کشور مسلط شده و به طرق مستقیم و غیرمستقیم کنترل منابع نفتی این کشور را بدست گرفته است. عراق پس از عربستان و ایران در میان دارندگان ذخایر هیدروکربنی غرب آسیا در مقام سوم و در جهان مقام پنجم را دارد. هرچند تولید نفت عراق با نوسانات زیادی همراه بوده است، اما در آینده ذخایر هیدروکربنی برای این کشور پتانسیل-های فراوانی در عرصه نفت و گاز طبیعی به همراه خواهد آورد. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۳)

۹-۱-۵- میادین مشترک نفت و گاز:

دو کشور ایران و عراق دارای ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک و دارای ذخایر عظیم نفتی و گازی هستند. هرگونه همکاری در حوزه نفت و گاز دو کشور می‌تواند آثار مثبتی بر صنعت منطقه‌ای و بین‌المللی این بخش به جا بگذارد. ایران و عراق در طول مرز مشترک خود دارای ۱۲ میدان نفتی مشترک هستند از جمله میادین عبارتند از: میدان نفت شهر در مجاورت نفت خانه میدان دهلران در مجاورت ابوغریب، میدان پایدار غرب در مجاورت فکه، میدان آزادگان در مجاورت میدان مجنون، میدان یادآوران در مجاورت سنباد و میدان آذر در مجاورت میدان بدر. با توجه به تمرکز ایران و عراق روی توسعه میادین مشترک نفتی کارشناسان همکاری دوجانبه میان دو کشور در زمینه برداشت یا افزایش تولید از میادین نفتی را توصیه می‌کنند. گرچه طرح این توصیه تازگی ندارد و در سال‌های گذشته مذاکراتی در سطح وزرای نفت پیرامون همکاری دو جانبه ایران و عراق برای توسعه میادین نفتی مشترک وجود داشته؛ اما تاکنون گامی عملیاتی در این راستا

برداشته نشده است. با این حال به نظر می‌رسد اجرایی شدن تفاهم نامه‌هایی در زمینه نفت و گاز نیازمند اراده سیاسی جدی‌تر میان دو کشور است. همکاری دو جانبه میان کشورهای صاحب منابع نفتی و گازی مشترک، می‌تواند منجر به برداشت صیانتی از میادین مشترک شده و با تعدیل رقابت برای افزایش برداشت هر طرف، مانع آسیب دیدن این مخازن و افزایش طول عمر آن‌ها شود.

۱۰- فرصت‌های پیش روی همکاری‌های ایران و عراق در زمینه انرژی و نفت

جمهوری اسلامی ایران و عراق با رشد گام به گام روابط در سال‌های اخیر به یکی از حوزه‌های همکاری راهبردی دو کشور تبدیل شده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که فعالیت شرکت‌های نفتی چند ملیتی در عراق بویژه در مناطق نفتی مشترک دو کشور به نحوی مدیریت شود که به روابط صمیمانه موجود در میان این دو کشور همسایه لطمه وارد نشود. زیرا ایران بعنوان کشوری که دارای قابلیت‌های فنی و مهندسی و امکانات ویژه در صنعت نفت است می‌تواند در بازسازی و توسعه صنعت نفت عراق سهم عمده‌ای داشته باشد. از جمله نقاط قوت ایران می‌توان به تجارب ارزشمند این کشور در زمینه ساخت پالایشگاه اشاره کرد. (صابری و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰)

با توجه به اینکه «عراق»، اجرای تعدادی پالایشگاه را در برنامه‌های خود گنجانده است، لذا ایران می‌تواند در طرح‌های مذکور و همچنین تولید نفت در طرح‌های مشترک همکاری نماید و این موضوع به تقویت الگوی دوستی بین دو کشور کمک خواهد کرد. طرح دیگری که ایران می‌تواند در اجرای آن به عراق کمک نماید بهره‌برداری از گازهای همراه نفت است که در حال حاضر به هدر می‌رود در حالی که درآمد حاصل از آن می‌تواند به چیزی حدود ۳ میلیارد دلار در سال بالغ شود و

همین موضوع نیز در تقویت الگوی دوستی بین دو کشور می‌تواند مؤثر واقع شود. تاکنون طرح‌هایی مانند صادرات برق، توسعه میدان‌های نفتی مشترک و همچنین طرح احداث خطوط لوله که نفت خام عراق را به ایران ارسال و محصولات نفتی را پس از پالایش به عراق منتقل سازد، مورد توجه قرار گرفته‌اند» (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۲۱۴) جمهوری اسلامی ایران و عراق بعد از گذشت حدود ۲۰ سال از سقوط رژیم صدام توانسته‌اند یکی از پایدارترین روابط اقتصادی را در منطقه ایجاد کنند که به اعتقاد کارشناسان ستون این مناسبات اقتصادی بر پایه حوزه نیرو و انرژی بنا شده است. همچنین کارشناسان اقتصادی ایرانی و عراقی اتفاق نظر دارند که استحکام مناسبات در بخش نیرو بین دو کشور چنان قوی است که حتی آمریکا ناچار شده است در تحریم‌های یکجانبه خود علیه جمهوری اسلامی ایران، بغداد را برای چندمین بار معاف کند.

۱۱- الگوی دوستی با عراق در جهت برقراری امنیت منطقه غرب آسیا

برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای لزوم دستیابی به یک مدل و الگوی بومی دوستی منطقه‌ای امری مهم و ضروری است. با توجه به اینکه کشور عراق، در حوزه مفاهیم ایران قرار دارد، روابط این کشور در دوره زمانی ده ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ برآمده از مناسبات فرهنگی، تاریخی و عمیق است. عراق با توجه به اینکه یکی از همسایگان مهم ایران تلقی می‌شود، داشتن ارتباطات حسنه با این کشور و قرار گرفتن در یک شرایط دوستی، برای هر دو کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است. پر واضح است که تقویت روابط، همکاری‌های متقابل و همگرایی بین دو کشور

ایران و عراق با کاهش تنش در منطقه غرب آسیا، می‌تواند به امنیت منطقه کمک کند و این موضوع در راستای دلایل مطرح شده به ایجاد و گسترش امنیت در منطقه می‌انجامد.

برخوررداری از بخش عمده ذخایر انرژی جهان که در جای خود به آن پرداخته شد، قرار گرفتن در مسیرهای مهم انتقال انرژی، تبادل کالا و خدمات، برخورداری از بازار بزرگ چندین میلیارد دلاری، زمینه مناسبی را برای تقویت بنیان اقتصادی و دوستی دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ فراهم نموده است، که موضوع همکاری اقتصادی و ایجاد همگرایی و حتی هم‌صدایی در این زمینه می‌تواند در ایجاد صلح و دوستی بین دو کشور و تقویت امنیت منطقه‌ای کمک نماید.

۱۲- نتیجه‌گیری

با عنایت به این موضوع که ترتیبات امنیتی منطقه در طول قرن گذشته و سده حاضر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی اجتماعی ناشی از آن در منطقه غرب آسیا، تشکیل نیروی واکنش سریع آمریکا و عملکردها و عکس‌العمل‌های مربوطه، شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و آثار منطقه‌ای آن، وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، تجاوز نظامی عراق به کویت و نتایج سیاسی و نظامی آن، شکل‌گیری نظم نوین جهانی پس از بحران دوم خلیج فارس و حمله آمریکا به افغانستان و عراق به عنوان نقطه عطفی در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد و کشورهای منطقه غرب آسیا از دهه ۱۹۲۰ م. که انگلستان از منطقه خارج شده تا افول اقتصادی انگلستان و عقب‌نشینی از منطقه خاورمیانه در اوایل ۱۹۷۰م. و واگذاری عرصه به ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای تا فصل جدید مناسبات امنیتی،

نتوانستند در تأمین کامل و تضمین امنیت در این منطقه حساس و سوق‌الجیشی موفقیت چندانی کسب نمایند، بنابراین تمرکز بر این موضوع جز دغدغه‌های اصلی ما در این پژوهش به حساب می‌آید.

بنابر آنچه در این پژوهش به دنبال آن بودیم، این نکته حائز اهمیت بود که دوستی بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق در این منطقه و روابط فیما بین آنها چگونه می‌تواند در امنیت منطقه و ارتقا سطح این امنیت تأثیرگذار بوده و از مشکلات منطقه بکاهد. به همین دلیل با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان از مکتب کپنهاگ، به بررسی این موضوع پرداخته شد و در ذیل این پژوهش با ارزیابی مدل بومی همگرایی ایران در منطقه غرب آسیا، عراق به‌عنوان کشوری که در حوزه مفاهمه قرار می‌گرفت؛ در مقابل کشورهای دیگری که در حوزه‌های معامله و مقابله قرار داشتند؛ به عنوان یک شریک فرهنگی، مذهبی و اقتصادی در این زمینه شناخته شد. حتی این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که این همگرایی چگونه می‌تواند به تقویت امنیت منطقه-ای بیانجامد. همچنین اشاره گردید که تقویت دوستی و همگرایی در روابط ایران و عراق باعث تأثیر مثبت در ارتقا امنیت منطقه‌ای خواهد شد.

بنابراین از ابعاد پنجگانه امنیت منطقه‌ای که باری بوزان و همکارانش در ذیل مکتب کپنهاگ مطرح نمودند و بر این امر تأکید داشتند که امنیت تنها مربوط به دولت‌ها نیست؛ بلکه تمام جوامع انسانی را شامل می‌شود؛ بر همین اساس پنج جنبه از امنیت را مورد توجه قرار دادند و در جنبه نظامی امنیت به تأثیرات متقابل توانمندی‌های دفاعی و تهاجمی نظامی دولت‌ها و تصورات هر یک از اهداف

پرداختند. در نوع سیاسی برنثبات ساختاری دول، ساختارهای حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت‌بخش متکی بودند. در بعد اقتصادی امنیت به دسترسی به منابع، پول و بازار برای رسیدن به سطوح قابل قبولی از رفاه تأکید نموده و در امنیت اجتماعی بر ارزیابی الگوهای سنتی زبانی، فرهنگی، مذهبی، هویت ملی و عادت‌های اجتماعی تمرکز داشتند و در نهایت در بعد امنیت محیطی به حفظ و حمایت از محیط زیست زمین تأکید نمودند و تمام فعالیت‌های مهم بشری را به آن وابسته می‌دانستند. بنابراین در این پژوهش با تأکید بر عوامل مختلف اقتصادی، یک بُعد از ابعاد پنجگانه امنیت مطرح شده توسط باری بوزان مورد بررسی قرار گرفته و این نتایج حاصل گردید که دوستی و همگرایی در این زمینه‌ها به تقویت امنیت منطقه‌ای در همین ابعاد کمک خواهد نمود.

منابع و ماخذ

۱. بوزان، باری، (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. تخشید محمدرضا و مهدی متین، (۱۳۹۰)، «تسلط بر منابع نفتی استراتژیک خلیج فارس و تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق»، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، پاییز ۱۳۹۰، ش ۱، صص ۲۳۳-۲۰۵.
۳. ثقفی عامری، ناصر، (۱۳۸۹)، سازمان ملل متحد: مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
۴. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۵)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۱، تهران: انتشارات سمت.

۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۶)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۲، تهران: انتشارات سمت.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «تحول نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل» مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۸ بهار ۷۳-۱۱۶
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا از منظر نوکارکردگرایی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۲، ۱۴۳-۱۶۵
۹. صابری و همکاران، (۱۳۹۷)، تجلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار آمایش منطقه مرزی بر مناسبات ایران و عراق، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۶، شماره ۱، مسلسل ۱۹، صص ۴۵-۶۹
۱۰. صادقی و همکاران، (۱۳۹۵)، «ایران - عراق چشم اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه» پژوهش‌های روابط بین الملل، ۶ (۲۲)، صص ۱۶۲-۱۲۹
۱۱. عبداله‌خانی، علی، (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۱۲. فولر، گراهام، (۱۳۸۲)، آینده اسلام سیاسی، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۳۱۸-۳۰۶
۱۳. کریمی پور و همکاران، (۱۳۹۷)، تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها، مطالعه موردی ایران و عراق، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۴۸، صص ۲۱-۳۹
۱۴. گوهری مقدم، ابوذر و بشیری لحاقی، میثم، (۱۳۹۶)، کاربست نظریات همگرایی در طراحی مدل همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، دوره سیزدهم شماره یکم، صص ۹۸-۷۱ doi:

۱۵. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران،

انتشارات وزارت امور خارجه

۱۶. مجله نفت و گاز، ۲۰۱۸: صفحات مختلف

۱۷. مصطفی، محمد صالح، (۲۰۱۶)، «نقش ایران در منطقه کردستان عراق»، مرکز مطالعات

الجزیره

۱۸. مطلبی مسعود و همکاران، (۱۴۰۰)، رابطه همگرایی اقتصادی و تامین امنیت در

کشورهای جهان سوم با تاکید بر خاورمیانه، تهران، نشر آموزشی تألیفی ارشدان

۱۹. متی، ایوب و ناصر هادیان، (۱۳۹۹)، «نقش اشتراکات ایران و عراق در شکل گیری

همگرایی در حوزه انرژی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و چهارم، شماره ۳،

صص ۷۴-۵۱

۲۰. هاشمی و همکاران، (۱۳۹۶)، «تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق»،

پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۲ (۵)، صص ۱۴۳-۱۱۸

21. Buzan Barry, Waever, Ole, (2009). Region and powers, translate by Rahman Ghahramanpour, Tehran, Institute for Strategic Studies [In Persian].

22. Buzan, Barry (1999). People, States and Fear, translate by Institute for Strategic Studies, Tehran, Institute for Strategic Studies [In Persian].

23. Sönmez, A. Sait (2012), "Iran's Iraq Policy After the Second Gulf War". Journal of International Social Research 5, No. 21